

## بررسی ناسازگاری آراء ملاصدرا در مبحث تشکیک در ماهیات

خدیدجه هاشمی عطار\*

سعید انواری\*\*

### چکیده

ملاصدرا در کتاب *الشواهد الربوبیه* پس از نفی تشکیک در ماهیت، می‌نویسد که در کتاب *الاسفار* از تشکیک در ماهیت جانبداری کرده است. همچنین با وجود تصریح به عدم پذیرش تشکیک در ماهیت در برخی از آثار خود، به نظریاتی مانند نظریهٔ مثل افلاطونی و اعیان ثابتة قائل شده است که عده‌ای لازمهٔ پذیرش آنها را تشکیک در ماهیت دانسته‌اند. این مقاله با مشخص کردن نظرات مختلف ملاصدرا در مورد تشکیک در ماهیت و بررسی مباحثی که لازمهٔ آنها پذیرش تشکیک در ماهیت است، به تبیین و توجیه این اختلاف نظر پرداخته است. بدین منظور توجیهاات مختلفی در مورد این اختلاف نظر ظاهری ملاصدرا مطرح و مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند، این نظرات عبارتند از: تشکیک در ماهیت در مقام دفاع از اشراقیان؛ تغییر دیدگاه در مبحث تشکیک در ماهیت؛ تشکیک در ماهیت به معنای ذات؛ تشکیک در مفاهیم مشکک؛ تشکیک در افراد ماهیت؛ تشکیک در ماهیت به تبع وجود.

**کلیدواژه‌ها:** ملاصدرا، تشکیک، ماهیت، تشکیک در ماهیت، تشکیک عرضی.

### ۱. مقدمه

ملاصدرا در کتاب *الشواهد الربوبیه* پس از اشاره به باطل بودن تشکیک در ماهیت می‌نویسد که در *اسفار* به صورت مفصل در مورد تشکیک در ماهیت بحث کرده‌ام و در آنجا از

\* دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشکدهٔ حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، galex60@gmail.com

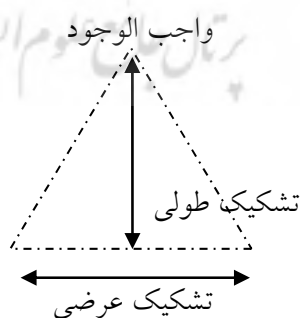
\*\* دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسندهٔ مسئول)، saeed.anvari@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۰

تشکیک در ماهیت جانبداری کرده‌ام (ملاصدرا، ۱۳۶۰، صص ۱۳۴-۱۳۵). بر این اساس برخی با استناد به سخنان وی در *سفار*، تشکیک در ماهیت را جایز دانسته‌اند (حسن‌زاده، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۹). همچنین برخی دیگر با وجود تصریح ملاصدرا به عدم پذیرش تشکیک در ماهیت در برخی از آثار وی، لازمه پذیرش تعدادی از نظریات فلسفی وی، همچون نظریهٔ مُثُل افلاطونی را قائل شدن به تشکیک در ماهیت دانسته‌اند (عبودیت، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۷۳). این اختلاف آرا در مورد تشکیک در ماهیت باعث شده است تا به صراحت ملاصدرا را در این مبحث دارای دو نظر مخالف یکدیگر بدانند (عبودیت، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲). این مقاله با بررسی این نظریات متفاوت در آثار ملاصدرا کوشیده است تا علت طرح آنها را تبیین نماید.

## ۲. تشکیک طولی و عرضی

در مورد تشکیک، انواع و معیارها (ضابطه‌های) مختلفی بیان شده است.<sup>۱</sup> در توجیه کثرات عالم، با دو کثرت طولی (متفاضل)<sup>۲</sup> و عرضی موجودات مواجه هستیم. رابطهٔ تشکیکی میان علت و معلول از سنخ «تشکیک طولی» و میان موجوداتی که رابطهٔ علت و معلولی نسبت به یکدیگر ندارند از سنخ «تشکیک عرضی» است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۴۴۹؛ عبودیت، ۱۳۸۳، ص ۲۸؛ مصباح، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۵؛ نبویان، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۲۵۶-۲۵۷) که آن را کثرت تباینی نیز نامیده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۷۴). تشکیک عرضی در موجوداتی برقرار است که نه دارای رابطهٔ علت و معلولی هستند و نه دارای رابطهٔ تفاضلی شدت و ضعفی می‌باشند (موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸). این اصطلاح را نباید با تشکیک در اعراض یا به تعبیر دیگر تشکیک در عرضی که در مقابل تشکیک در ذاتی است اشتباه نمود.



در صورتی که معیار تشکیک را «یکی بودن ما به الاشتراک و ما به الافتراق» بدانیم شامل هر دو تشکیک طولی و عرضی می‌شود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۱۲۰؛ طباطبائی، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۴۳۱-۴۳۲؛ جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۶۹؛ سوزنچی، ۱۳۸۹، ص ۸۷؛ ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۷۱).<sup>۳</sup>

### ۳. تشکیک در وجود و ماهیت

در نظر شیخ اشراق و کسانی که مجعول را ماهیت می‌دانند و میان ماهیات رابطه‌ی علی و معلولی قائل هستند، تشکیک طولی همان تشکیک در ماهیت است. همچنین سهروردی با پذیرش تشکیک در ذاتیات، تشکیک در کلیات خمس را پذیرفته است (نک: سهروردی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۲؛ مطهری، ۱۳۷۹، ص ۳۴۴) و بدین ترتیب، در نظر وی تشکیک عرضی نیز از طریق تشکیک در ماهیات توجیه می‌شود.<sup>۴</sup>

ذات = ماهیت } تشکیک در ذاتیات  
تشکیک در ماهیات (مکتب اشراق)  
ذات = وجود } تشکیک در عرضیات (تشکیک در اعراض) (مکتب مشاء)  
تشکیک در وجود (مکتب حکمت متعالیه)

در مقابل، ملاصدرا و کسانی که اصالت را از آن وجود می‌دانند،<sup>۵</sup> تشکیک طولی را بر اساس علیت وجودی توجیه می‌کند و تفاوت مراتب را بر اساس فقر و غنا تبیین می‌نمایند. حال سؤال این است که ایشان تشکیک عرضی را چگونه توجیه می‌کنند؟ علامه طباطبائی می‌نویسد: «برای وجود به اعتبار مراتب مختلف، کثرتی طولی وجود دارد» (طباطبائی، ۱۴۰۳، ص ۱۷) و سپس در مورد یک مرتبه از مراتب وجود می‌نویسد: «و برای هر مرتبه، به اعتبار قوایل مختلف، عرض عریضی است» (همان). بدین ترتیب، تشکیک طولی از طریق وجود و تشکیک عرضی از طریق ماهیت (قوایل) ایجاد می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۴۳۹). بنابراین بجز کثرت طولی که به صورت تقدم و تاخر و شدت و ضعف در وجود توجیه می‌شود، کثرتی بالعرض نیز وجود دارد که از ماهیت ناشی می‌شود و به صورت تفاوت میان انسان و اسب و گاو و ... پدیدار شده است (سبزواری، ۱۴۱۶،

ج ۲، صص ۱۱۰-۱۱۱ و ۱۷۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۶، ص ۱۷). کثرت نوع اول را کثرت نورانی و کثرت نوع دوم را کثرت ظلمانی نامیده‌اند (حسن‌زاده آملی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۷۹). بنابراین بر اساس اصالت ماهیت و نیز بر اساس نظرات ذکر شده در مکتب حکمت متعالیه، تشکیک عرضی از طریق تشکیک در ماهیات تبیین می‌شود. این مطلب در ادامه مقاله مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرد.

#### ۴. نفی تشکیک در ماهیت در آثار ملاصدرا

چنان که بیان شد، ملاصدرا در *الشواهد الربوبیه* می‌نویسد که در *اسفار*، قائل به تشکیک در ماهیت شده است (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۳۵؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۴۲۷-۴۳۰)؛ اما عباراتی در *اسفار* وجود دارد که تشکیک در ماهیت را نفی کرده است؛ چنان که می‌نویسد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۶، صص ۲۰-۲۱):

پس می‌گویم اینکه در آنچه ماهیت مشترکه کلی دارد، ما به الاختلاف در کمال و نقص عین ما به الاتفاق باشد، سخن فاسد و غیر صحیحی است ... پس دانستی و محقق شد که هیچ یک از ماهیات قابلیت کمال و نقص و شدید و ضعیف بودن را ندارند، مگر در اموری که زائد بر آنها باشند.<sup>۶</sup>

وی در جای دیگری از *اسفار* نیز می‌نویسد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۴، ص ۳): «تشکیک در نزد ما تنها در وجودات است و نه در ماهیات».<sup>۷</sup> همچنین می‌نویسد (ملاصدرا، ۱۳۷۵، ص ۳۰۷):

و صاحب اشراق ... گمان می‌کند که ماهیات، مانند ماهیت نور و ماهیت جوهر و مانند آنها، از اموری هستند که شدت و ضعف و تقدم و تاخر را به نحو ذاتی (یعنی به معنای نوعی و جنسی) قبول می‌کنند، و این مطلب در نزد ما صحیح نیست.<sup>۸</sup>

و نیز در رساله *اصالة جعل الوجود* (ملاصدرا، ۱۳۷۵، ص ۱۸۷) و کتاب *الشواهد الربوبیه* (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۳۵) و *الحاشیه علی الهیات الشفاء* نیز به نفی تشکیک در ماهیت پرداخته است و می‌نویسد که وجود به نحو تشکیکی بر افراد خود حمل می‌شود، اما ماهیت اینگونه نیست (ملاصدرا، بی‌تا، ص ۲۴). همچنین در مبحث *جعل در المشاعر*، از نفی تشکیک در ماهیت به عنوان اصل موضوعی برای نفی مجعولیت ماهیت استفاده کرده است (ملاصدرا، ۱۳۶۳ الف، ص ۴۳؛ جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۶۱ و ۵۷۵).

### پذیرش تشکیک در ماهیت در آثار ملاصدرا

ملاصدرا در کتاب *الشواهد الربوبیه* تشکیک در ماهیت را به اشراقیان و اتباع رواقیان نسبت می‌دهد و آن را نمی‌پذیرد؛ اما اشاره می‌کند که نظر وی در *اسفار* موافق این قول است (ملاصدرا، ۱۳۶۰، صص ۱۳۴-۱۳۵):

صاحب حکمت اشراق از پیروان رواقیان و حکمای فارس، وقوع تشکیک و تفاوت به شدت و ضعف در بعضی از انواع و ذاتیات اشیاء همچون ماهیت نور و حرارت و مقدار و همچنین جوهر را نقل کرده است. به همین نحو آنها در ماهیات، قائل به تفاوت به حسب تقدم و تاخر شده‌اند که بطلان آن بیان شد. اما تفصیل مباحث تشکیک و تحقیق و بررسی آن را در *اسفار* آورده‌ایم و در آنجا جانب قول به شدت و ضعف به حسب ماهیت و معنا را ترجیح داده‌ایم.<sup>۹</sup>

وی در شرح *الهدایه* نیز می‌نویسد که تحقیق مباحث تشکیک بر وجهی که متضمن دفع شکوک باشد در *الاسفار* و *العرشیه* ذکر شده است (ملاصدرا، ۱۴۲۲، ص ۳۵۹). ملاصدرا در *اسفار* نظریه تشکیک در ماهیت را به اشراقیان (رواقیان) نسبت داده و آن را نوع چهارم تمایز دانسته است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۴۲۷-۴۲۸). سپس در ادامه، تشکیک در ماهیت همچون تقدم جواهر عقلانی بر جواهر مادی را مطرح کرده و چند اشکال از مشائیان را در مورد تشکیک در ماهیات مطرح می‌کند و آنها را وارد نمی‌داند (همان، صص ۴۲۸-۴۴۶). استاد حسن‌زاده آملی با اشاره به این فصل از کتاب *اسفار* تشکیک در ماهیت را امری جایز دانسته است (حسن‌زاده، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۹).

همچنین ملاصدرا در *اسفار* در تحت عنوان بحث و تحقیق اصحاب مکاشفه می‌نویسد که اشتداد همانگونه که در مقوله کیف واقع می‌شود در مقوله جوهر نیز واقع می‌شود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۲۷۳).<sup>۱۰</sup> ملاصدرا در بخش‌های دیگری از *اسفار* نیز به اختلاف تشکیکی در ماهیت اشاره کرده است؛ چنانکه می‌نویسد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۸۶): «اینها ماهیات متخالف بحسب ذات (از نظر جنسی یا نوعی یا عرضی) نامیده می‌شوند».<sup>۱۱</sup> همچنین می‌نویسد (همان، ج ۱، ص ۴۳): «شک نیست که نیازمندی و غنی از لوازم ماهیت یا از لوازم مراتب متفاوت ماهیت از نظر کمال و نقص است».<sup>۱۲</sup> همچنین به سه نحوه مختلف از ماهیت اشاره کرده است که نسبت به یکدیگر دارای شدت و ضعف هستند (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۲۴): «بدان که برای ماهیتی واحد، سه نحوه تحقق وجود دارد

که بعضی از آنها قوی‌تر از بعضی دیگر است».<sup>۱۳</sup> سپس به عنوان مثال ذکر می‌کند که جوهر می‌تواند عقلانی یا مادی و یا متوسط میان این دو (ذهنی) باشد (همان).

## ۵. مباحث مرتبط با تشکیک در ماهیت

بجز مواردی که ملاصدرا به صورت صریح تشکیک در ماهیت را مطرح کرده است، نظریاتی در آثار وی مطرح شده‌اند که لازمه پذیرش آنها قائل شدن به تشکیک در ماهیت است. به عنوان مثال وی در کتاب *سفار*، اشکالی بر مشائیان که قائل به تشکیک در ماهیات نیستند مطرح می‌کند که نشانگر ارتباط برخی از مباحث فلسفی با بحث تشکیک در ماهیت است. وی می‌نویسد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۴۳):

شما گفته‌اید که جوهر جنس است و جنس به هیچ وجه بر انواع خود به نحو تشکیکی حمل نمی‌شود، این قاعده شما در موارد زیادی نقض می‌شود. مانند: علیت بعضی از مفارقات برای بعضی دیگر، و علت بودن هیولی و صورت برای جسم و علت بودن پدر برای فرزند در حالی که در همه این موارد، جوهر جنس است. همچنین این سخن شما به تقدم برخی از افراد کمیت بر برخی دیگر نقض می‌شود، مانند تقدم جسم بر سطح و سطح بر خط، در حالی که مقدار، جنس آن است.<sup>۱۴</sup>

بر اساس عبارت فوق، پذیرش علیت در میان جواهر و تقدم و تاخر در مقوله کم با بحث تشکیک در ماهیت ارتباط دارند و پذیرش آنها به معنای پذیرش تشکیک در ماهیت است.

بجز موارد فوق، نظریه حرکت جوهری (از دیدگاه مشائیان) و نظریه مثل افلاطونی و اعیان ثابت نیز از مباحثی به شمار می‌آیند که لازمه پذیرش آنها قائل شدن به تشکیک در ماهیت است. در ادامه این موارد مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا مشخص شود که چگونه لازمه پذیرش آنها، قائل شدن به تشکیک در ماهیت است و ملاصدرا به کدامیک از این موارد باور دارد.

## ۱.۵ تشکیک در جواهر و اعراض

از آنجا که مقسم جوهر و عرض ماهیت است، پذیرش تشکیک در میان جواهر و اعراض، به پذیرش تشکیک در ماهیت منجر می‌شود. قائل شدن به تشکیک در میان جواهر و

بررسی ناسازگاری آراء ملاصدرا در مبحث تشکیک در ماهیات ۲۰۷

اعراض، می‌تواند ناشی از پذیرش رابطه علی میان آنها باشد. همچنین تشکیکی دانستن زمان و عدم ارائه تفسیر وجودی از آن، به تشکیک در ماهیت منجر می‌گردد (نک: ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۳۴).

**الف) علیت میان جواهر:** ملاصدرا معتقد است کسانیکه علیت و مجعولیت را در میان ماهیات جایز می‌دانند ولی تشکیک در ماهیت را نمی‌پذیرند، دچار تناقض می‌شوند،<sup>۱۵</sup> زیرا هنگامی که بپذیریم که جوهری علت جوهری دیگر است (مانند علیت عقل برای صورت و صورت برای ماده) به نحو ضمنی به تشکیک در ماهیت قائل شده‌ایم (ملاصدرا، بی‌تا، ص ۸۲ و ۲۷؛ ۱۳۶۰، ص ۷۵؛ ۱۳۷۵، ص ۲۹۹؛ ۱۳۵۴، ص ۵۰؛ ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۱۴؛ ۱۳۷۵، ص ۱۸۷؛ ۱۴۲۲، ص ۲۷۲) و در توضیح این مطلب می‌نویسد (۱۳۶۰، ص ۷۵): «اگر برخی از جواهر به حسب ماهیت علت برخی دیگر باشند، تشکیک در جنس جواهر تحقق می‌یابد».<sup>۱۶</sup> ملاصدرا در المشاعر نیز به این نکته اشاره می‌کند و می‌نویسد (۱۳۶۳ الف، صص ۴۲-۴۳):

لازمه مذهب ایشان این است که معنای ذاتی مانند جوهر ... مشکک باشد و به حسب تقدم و تاخر متفاوت باشد ... زیرا برخی از افراد جوهر علت برخی دیگر هستند ... و علت در ذات خود مقدم بر معلول است ... پس لازمه این سخن تشکیک در معنای ذاتی است.<sup>۱۷</sup>

بنابراین در نظر ملاصدرا لازمه قائل شدن به علیت میان جواهر، پذیرش تشکیک در ماهیت است. وی در اسفار، علیت میان جواهر عقلانی و مادی و نیز شدیدتر بودن جواهر عقلانی را از قول رواقیان (اشراقیان) مطرح کرده و در مقابل مشائیان از آنها جانبداری کرده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۴۰).

**ب) تشکیکی بودن حرکت:** از آنجا که حرکت، خروج از قوه به فعل است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۲۲) و فعلیت نوعی کمال برای حالت بالقوه به شمار می‌آید؛ در حرکت، نوعی اشتداد و تشکیک وجود دارد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۸۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۶، ص ۲۰۹). همچنین در بحث حرکت می‌توان از کندی و تندی که اموری تشکیکی هستند سخن گفت. از نظر شیخ اشراق که حرکت را یکی از مقولات به شمار آورده است (سهروردی، ۱۳۸۰، صص ۲۷۸-۲۸۴)، از آنجا که مقسم جوهر و عرض ماهیات هستند، تشکیکی بودن حرکت به تشکیکی بودن ماهیات منتهی می‌گردد. اما از نظر مشائیان و

پیروان حکمت متعالیه که حرکت را فوق مقوله به شمار آورده‌اند، تشکیکی بودن حرکت در چهار مقوله کم، کیف، این و وضع به تشکیکی بودن خود این مقولات منتهی نمی‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۰).

چنان که می‌دانیم در صورتی که حرکت را در جواهر مطرح نماییم، نیازمند موضوعی جوهری برای این حرکت هستیم و ابن سینا به این دلیل که اشتداد و نقص را در صورت جوهری نمی‌پذیرد، حرکت جوهری را قابل قبول نمی‌داند (ابن سینا، ۱۴۰۴ الف، ج ۱، ص ۹۸)، حال اگر حرکت در جوهر را بپذیریم و موضوع حرکت جوهری را یکی از جواهر معرفی نماییم، تشکیک در ماهیت را نیز پذیرفته‌ایم. از آنجا که ملاصدرا در مورد موضوع حرکت جوهری چهار نظریه مختلف ارائه کرده است که در سه مورد، اموری غیر از وجود را موضوع حرکت جوهری معرفی کرده است (که عبارتند از هیولای اولی، عقول مفارق و ماهیت؛ در این زمینه نک: انواری، ۱۳۹۴، صص ۳۲-۳۴)، در این موارد به نوعی، تشکیک در ماهیت را پذیرفته است.

حتی اگر موضوع حرکت جوهری را وجود در نظر بگیریم، از آنجا که ماهیت مرز وجود دانسته می‌شود، می‌توانیم به تبع وجود، در ماهیت نیز قائل به تشکیک گردیم (آشتیانی، ۱۳۸۰، ص ۷۱). بر این اساس در هر دو صورت، نظریه حرکت جوهری با پذیرش تشکیک در ماهیت سازگار است. بر این اساس به دلیل ارتباط ماهیت با وجود و تبعی بودن آن، کلیه مباحثی که در آنها اشتداد وجودی (حرکت جوهری) مطرح شده باشد، اشتداد در ماهیت را در پی خواهند داشت. به عنوان مثال برخی یکی از لوازم نظریه اتحاد عاقل و معقول در نزد ملاصدرا را قائل شدن به تشکیک در ماهیت دانسته‌اند (علیزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳). چرا که با کسب علوم بیشتر، درجه وجودی فرد بالاتر رفته و به تبع آن ماهیت وی تغییر می‌کند. همچنین از آنجا که به تصریح ملاصدرا، انسانها با حرکت جوهری رشد کرده و در آخرت نوع واحدی نخواهند بود (۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۲۵)، دارای ماهیات و انواع متفاوتی خواهند بود که می‌توان این امر را تشکیک در ماهیت انسانی دانست.

## ۲.۵ نظریه مثل افلاطونی

از آنجا که نظریه مثل افلاطونی بر پذیرش تشکیک در ماهیات مبتنی است (نک: عبودیت، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۷۳؛ غفاری، ۱۳۹۲، صص ۷۹-۸۱)، پذیرش نظریه مثل افلاطونی توسط ملاصدرا (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۴۰۲؛ ۱۳۷۸، ص ۱۸۰)، به پذیرش تشکیک در ماهیت در



نظر وی منجر می‌گردد. ملاصدرا می‌نویسد که «برای هر صورت محسوسی، صورتی معقول از نوع آن، وجود دارد که همان صورت ذات و ماهیت آن در نزد خداوند است و همان است که مُثل افلاطونی نامیده می‌شود»<sup>۱۸</sup> (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۵، ص ۲۱۵). سپس اشاره می‌کند که این ماهیات یا مُثل افلاطونی نسبت به انواع جسمانی کاملتر هستند (ملاصدرا، ۱۳۶۰، صص ۱۶۲-۱۶۳) و بدین ترتیب با کاملتر دانستن رب النوع نسبت به انواع مادون آن، به نوعی تشکیک در ماهیت را پذیرفته است. وی در اسفار می‌نویسد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۶۲):

برای هر یک از انواع جسمانی فرد کامل و تامی در عالم ابداع وجود دارد که اصل و مبدأ آن است و سایر افراد نوع، فروع و معلول و آثار آن هستند ... و دانستی که اختلاف افراد نوع واحد از جهت کمال و نقص جایز است.<sup>۱۹</sup>

همچنین در بررسی اشکالات ابن سینا بر نظریه مثل افلاطونی می‌نویسد که اشکال وی در مورد ماهیات متواطی صحیح است و نه ماهیات مشکک (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۲، صص ۷۳-۷۴). بنابراین گویی پذیرفته است که نظریه مُثل با ماهیات مشکک سازگار بوده و صحیح است.

عبودیت اشاره می‌کند که ملاصدرا خود بر تعارض میان پذیرش نظریه مُثل و نفی نظریه تشکیک در ماهیت آگاه بوده است و کوشیده است تا آن را به نحوی حل نماید، اما در این زمینه موفق نبوده است (عبودیت، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۷۵).<sup>۲۰</sup> به نظر می‌رسد اشاره ایشان به عبارت زیر از ملاصدرا باشد که در آن به نحوی پذیرش نظریه مثل افلاطونی و نفی تشکیک در ماهیت را با یکدیگر جمع کرده است (ملاصدرا، بی تا، ص ۱۳۱):

دلیلی که دلالت می‌کند افراد یک ماهیت، تشکیک و تفاوت را در وجودات به نحو شدت و ضعف و کمال و نقص نمی‌پذیرند، بر فرض تام و صحیح بودن، تنها به حسب یک نشئه واحد و موطن واحد، تام و صحیح است و نه به حسب دو نشئه و به اعتبار دو وجود. و حق آن است که مذهب افلاطون و پیروان وی در مورد وجود مُثل عقلی و صورت‌های مفارق، در غایت متانت و استحکام است و هیچ یک از نقض‌ها و اشکالاتی که پیروان مشائیان بر آن وارد کرده‌اند بر آن وارد نیست.<sup>۲۱</sup>

عبودیت در نهایت عنوان می‌کند که با نفی تشکیک در ماهیت، لازم است تا نظریه مُثل را نیز مردود به شمار آوریم (همان). اما از آنجا که ملاصدرا حتی در *الشواهد الربوبیه* و *تعلیقه*

بر حکمة الاشراق که در آنها تشکیک در ماهیت را نفی کرده است (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۳۵؛ عبودیت، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۷۵) نظریهٔ مثل را مطرح کرده است (۱۳۶۰، ص ۱۶۲-۱۶۳؛ ۱۳۹۲، ص ۳۱۷)، نمی‌توان با نظر ایشان موافقت کرد و لازم است تا تبیینی مناسب از علت این اختلاف نظر در آثار ملاصدرا ارائه شود. در ادامهٔ مقاله به بررسی تبیین‌های مختلف در این زمینه می‌پردازیم.

### ۳.۵ نظریهٔ اعیان ثابت

از آنجا که اعیان ثابت (ثابتات ازلیه) را می‌توان با ماهیات اشیاء مطابق دانست (ملاصدرا، ۱۳۹۲، ص ۴۰۵؛ احمدنگری، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۱۳۷-۱۳۸؛ اسیری، ۱۳۸۳، ص ۹۱)، ناگزیر بر اساس کارکرد این نظریه، باید به تقدم این ماهیات بر ماهیات سایر موجودات اعتقاد داشته باشیم و بدین ترتیب تشکیک در ماهیت را بپذیریم. چنان که می‌دانیم، ملاصدرا به اعیان ثابت معتقد است و آنها را همان ماهیات دانسته است (۱۳۶۳ الف، ص ۳۵؛ ۱۳۶۱ الف، ص ۲۴؛ ۱۳۶۳ اب، ص ۳۳۵)، بدین ترتیب وی به نوعی، تشکیک در ماهیت را پذیرفته است.

### ۴.۵ تحقق ماهیت در سه مرتبه از هستی

در صورتی که قائل به عوالم مختلف هستی (عالم عقلانی، مثالی و مادی) باشیم، یک ماهیت واحد در هر یک از عوالم دارای مرتبه و شدتی متفاوت با مرتبهٔ دیگر خواهد بود که به معنای پذیرش تشکیک برای آن ماهیت است. چنانکه ملاصدرا می‌نویسد (ملاصدرا، ۱۳۶۱ اب، ص ۲۸۲): «برای ماهیتی واحد، صورت‌های سه‌گانه‌ای وجود دارد که برای هر یک از آنها وجودی خاص و ظهوری معین است. پس به تفاوت حکم این سه نشئه در مورد ماهیتی واحد بنگر.»<sup>۲۲</sup>

ملاصدرا در *الشواهد الربوبیه* به قوی و ضعیفتر بودن ماهیات این عوالم نسبت به یکدیگر تصریح کرده است (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۲۴). وی می‌نویسد که دلایل نفی تشکیک در ماهیت بر فرض کامل بودن، تنها در یک عالم و نشئه مطرح هستند و ثابت می‌کنند که ماهیت در یک نشئه دارای تشکیک نیست. اما با مقایسهٔ دو عالم (دو نشئه) با یکدیگر، می‌توان تشکیک در ماهیت را پذیرفت. وی می‌نویسد (ملاصدرا، بی‌تا، ص ۱۳۱):

دلیلی که دلالت می‌کند افراد یک ماهیت، تشکیک و تفاوت را در وجودات به نحو شدت و ضعف و کمال و نقص نمی‌پذیرند، بر فرض تام و صحیح بودن، تنها به حسب یک نشئه واحد و موطن واحد، تام و صحیح است و نه به حسب دو نشئه و به اعتبار دو وجود.<sup>۲۳</sup>

وی مشابه این مطلب را در *المسائل القدسیه* نیز مطرح کرده است (ملاصدرا، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷). شدید یا ضعیف دانستن صورت ذهنی نسبت به ماهیت خارجی (نک: ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۶۴؛ مقایسه کنید با: ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۲۴)<sup>۲۴</sup> را نیز می‌توان ناظر به این بحث دانست. چرا که از طرفی بر اساس نظریه مطابقت، صورت خارجی و ذهنی دارای ماهیت یکسانی هستند و از طرف دیگر ملاصدرا در آثار خود صورت ذهنی را گاه شدیدتر و گاه ضعیف‌تر از ماهیت خارجی به شمار آورده است (همان).

از میان موارد ذکر شده در این قسمت، ملاصدرا به صراحت علیت میان جواهر را نپذیرفته است، گرچه در مقابل مشائیان از این نظر جانبداری کرده است. همچنین با پذیرش حرکت جوهری، به نوعی، تشکیک در ماهیت را پذیرفته است. همچنین نظریه مثل افلاطونی و اعیان ثابته و تحقق یک ماهیت در سه مرتبه از هستی، را پذیرفته است که به نوعی مؤید تشکیک در ماهیت هستند.

## ۶. بررسی علت اختلاف نظرات ملاصدرا

تا کنون نشان داده شد که ملاصدرا گرچه به صراحت تشکیک در ماهیت را نفی کرده است، اما در مواردی آن را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم پذیرفته است. اکنون تلاش می‌کنیم تا علت این اختلاف نظر را مشخص سازیم. بدین منظور به بررسی دلایل و توجیهاات پیروان و شارحان حکمت متعالیه می‌پردازیم:

**۱-۶ تشکیک در ماهیت در مقام دفاع از اشراقیان؛** شاید بتوان گفت که نظر نهائی ملاصدرا نفی تشکیک در ماهیت است. اما در داوری و محاکمه میان نزاع مشائیان و اشراقیان، جانب اشراقیان (رواقیان) را گرفته است. بنابراین در اسفار در مقام بیان نظرات قوم بوده و میان اشراق و مشاء داوری کرده و از تشکیک در ماهیت حمایت کرده است و در *الشواهد الربوبیه* در مقام بیان نظر نهایی خود بوده و تشکیک در ماهیت را رد کرده است.

**نقد و بررسی:** این تبیین به عنوان یک احتمال قابل توجه است، اما نمی‌تواند ثابت نماید که لزوماً نظر نهایی ملاصدرا نفی تشکیک در ماهیت است و تنها در حد یک احتمال قابل طرح است.

**۲-۶ تغییر دیدگاه در مبحث تشکیک در ماهیت؛** بر این اساس، نظریه تشکیک در ماهیت و نظریاتی همچون مثل افلاطونی که منجر به پذیرش تشکیک در ماهیت می‌شوند، در حقیقت بر مبنای قوم مطرح شده‌اند و بخشی از نظام حکمت متعالیه به شمار نمی‌آیند. برخی معتقدند که پذیرش تشکیک در ماهیت نظر ابتدایی ملاصدرا بوده است که در نهایت از آن دست برداشته است (عبودیت، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۹۰؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲؛ رضائزاد، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۴۹). استاد عبودیت در اثبات این نظر به عبارت مورد بحث از کتاب *الشواهد الربوبية* (۱۳۶۰، ص ۱۳۵) اشاره کرده است (عبودیت، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۹۰).

**نقد و بررسی:** عبارت مورد استناد استاد عبودیت، نمی‌تواند نظر ایشان را تبیین نماید. ملاصدرا در این عبارت تنها بیان می‌کند که تشکیک در ماهیت به تشکیک در وجود باز می‌گردد و به صورت کلی منکر تشکیک در ماهیت نیست. بر این اساس این دیدگاه که نفی تشکیک در ماهیت را نظر نهایی ملاصدرا می‌داند، همچنان نیازمند دلایل و شواهد بیشتر است.

**۳-۶ تشکیک در ماهیت به معنای ذات؛** ملاهادی سبزواری این اختلاف را اینگونه توجیه می‌کند که در مواردی که ملاصدرا قائل به جواز تشکیک در ماهیات شده است، ماهیت را باید به «ما به الشیء هو هو» (همان حقیقت شیء) تعبیر نمود (سبزواری، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۳۳؛ سبزواری، ۱۳۶۰، ص ۵۷۲). وی در شرح مصرع «بالنقص و الکمال فی المهیة» نیز تصریح می‌کند که مراد وی از ماهیت «ما به الشیء هو هو» است (سبزواری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۸۰؛ مطهری، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۴۴۸). لذا تشکیک در ماهیت به معنای تشکیک در امر ذاتی است و تشکیک در ذاتی نیز به معنای تشکیک در حقیقت و هویت شیء می‌باشد که همان وجود آن است؛ لذا ماهیت در این بحث در مقابل وجود قرار ندارد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۰۵؛ سوزنچی، ۱۳۸۹، ص ۴۱). ملاهادی سبزواری می‌نویسد (سبزواری، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۳۳):

بدین ترتیب می‌توان دو رأی را با هم جمع کرد. پس کسی که می‌گوید ذاتی مقول به تشکیک است، مراد وی از ذاتی وجود شیء است ... و کسی که قائل به نفی تشکیک در ذاتی است ... مراد وی از ذاتی، شیئیت ماهیت است.<sup>۲۵</sup>

ماهیت = ما به الشیء هو هو ⇨ تشکیک در ذات ⇨ پذیرش تشکیک در ماهیت  
ماهیت در مقابل وجود ⇨ نفی تشکیک در ماهیت

**نقد و بررسی:** چنان که در موارد ذکر شده در این مقاله مشاهده می‌شود، ملاصدرا در مواردی که از تشکیک در ماهیت جانبداری کرده است، به صراحت از ماهیت در مقابل وجود نام برده است و نمی‌توان ماهیت در این کاربردها را به معنای «ما به الشیء هو هو» دانست.<sup>۳۶</sup> براین اساس این توجیه که توسط ملاهادی سبزواری مطرح شده است صحیح به شمار نمی‌آید.

**۴) تشکیک در مفاهیم مشکک؛** ملاصدرا اختلاف در ماهیات متواطی را نفی می‌کند، اما اختلاف در ماهیات مشکک را می‌پذیرد (شیرعلی یف، ۱۳۹۰، صص ۱۰۷-۱۰۸). وی می‌نویسد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۷۴):

می‌گویم خلاصه دلیل اول [وی] این است که افراد حقیقت واحد که دارای حد واحد و ماهیت واحد هستند، در تجرد و تجسم و غنا و حاجت اختلاف ندارند ... و شک نیست که سخن وی در مورد ماهیات متواطی صحیح است و نه ماهیات مشکک.<sup>۳۷</sup>

**نقد و بررسی:** این توجیه که اختلاف را به تفاوت میان ماهیات مشکک و متواطی مربوط دانسته است نیز با تمامی مواردی که مبحث تشکیک در ماهیت در آثار ملاصدرا مطرح شده است قابل تطبیق نیست. این نظر را بیشتر می‌توان در مورد مفهوم ماهیت صحیح دانست و نه در مورد مصادیق آن.

تَشْكِیْكَ دَر مَاهِیَاتِ مُشْكَكٍ ⇨ پذیرش تشکیک در ماهیت  
تَشْكِیْكَ دَر مَاهِیَاتِ مُتَوَاطِیٍّ ⇨ نفی تشکیک در ماهیت

**تَشْكِیْكَ دَر اَفْرَادِ مَاهِیَّتٍ؛** چنان که می‌دانیم کسانی که تشکیک در ماهیت را پذیرفته‌اند آن را در نفس ماهیت و نیز در صدق آن بر افرادش جایز نمی‌دانند و مراد ایشان از تشکیک در ماهیت، تشکیک در افراد ماهیت است (عبودیت، ۱۳۸۳، صص ۴۸-۵۱؛ شیرعلی یف، ۱۳۹۰، ص ۹۴).

حال بر این اساس شاید بتوان گفت که در مواردی که ملاصدرا تشکیک در ماهیت را می‌پذیرد، به تشکیک در افراد ماهیت توجه دارد و در مواردی که به نفی تشکیک در ماهیت

پرداخته است، به تشکیک در نفس ماهیت و یا صدق آن بر افرادش نظر داشته است. چنانکه می‌نویسد (۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۷):

تقدم و تاخر و کمال و نقص و قوت و ضعف ... در اشیاء و ماهیات، بخاطر وجودهای آنها است و نه بخاطر خودشان و بزودی برای تو در این باب، در مباحث تشکیک در این کتاب، توضیحات بیشتری بیان خواهم کرد.<sup>۲۸</sup>

وی در رساله المشاعر نیز به این مطلب اشاره کرده است (۱۳۶۳ الف، ص ۴۳) و در رساله اصالة جعل الوجود می‌نویسد که ماهیت جوهری نسبت به ماهیت جوهری دیگر، نه در جوهر بودن فی نفسه و نه در صدق جوهر بودن بر آن اولویتی ندارد (۱۳۷۵، ص ۱۸۷). بنابراین تشکیک در ماهیت، زمانی پذیرفته می‌شود که یک مفهوم کلی به حسب افرادش متفاوت و دارای شدت و ضعف باشد و زمانی نفی شده است که آن را در نفس ماهیت و یا صدق آن بر افرادش بدانیم (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۴۵؛ ج ۴، صص ۲۶۶-۲۶۷).

تشکیک در افراد ماهیت ⇨ پذیرش تشکیک در ماهیت  
تشکیک در نفس ماهیت و صدق آن بر افرادش ⇨ نفی تشکیک در ماهیت

**نقد و بررسی:** این توجیه که وی با تشکیک در نفس ماهیت و صدق آن بر افرادش مخالفت کرده ولی با تشکیک در افراد ماهیت موافق است به نوعی صحیح به شمار می‌آید. زیرا افراد خارجی ماهیت را وجودات تشکیل می‌دهند و به دلیل تشکیک در وجود، می‌توان تشکیک در افراد ماهیت را پذیرفت. بر این اساس این توجیه به نوعی به مورد بعد که تشکیک در ماهیت را به تبع تشکیک در وجود جایز می‌داند ارتباط دارد.

## ۷. تشکیک در ماهیت به تبع وجود

چنان که می‌دانیم برای ماهیت تعریف‌های مختلفی ذکر شده است (فیاضی، ۱۳۹۰، صص ۱۱-۱۲). که در یکی از آنها ماهیت مرز و حد وجود است و در دیگری، ماهیت کالعدم به شمار می‌آید:

یک) در صورتی که ماهیت را مرز و حد وجود بدانیم (آشتیانی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸)، به دلیل متحد بودن وجود و ماهیت در خارج، وجود به تبع کثرت ماهیات متصف به کثرت می‌شود که آن را کثرت عرضی می‌نامیم (الرفاعی، ۱۴۲۲، ص ۲۲۱). همچنین می‌توان گفت که ماهیت نیز به تبع وجود متصف به کثرت طولی می‌شود و به همین دلیل است که ملاصدرا نظریهٔ مثل افلاطونی را پذیرفته است.<sup>۲۹</sup> به عبارت دیگر تشکیک طولی اولاً و بالذات از آن وجود است و ثانیاً و بالعرض به ماهیت (مانند مثل افلاطونی و اعیان ثابت‌ه) تعلق می‌گیرد و تشکیک عرضی اولاً و بالذات از آن ماهیت است و ثانیاً و بالعرض به وجود تعلق می‌گیرد. چنانکه علامه طباطبائی می‌نویسد (طباطبائی، ۱۴۱۶، صص ۱۶-۱۷): «کثرت ماهوی در خارج به عرض وجود، موجود است و وجود به آن، به عرض ماهیت متصف می‌شود». بنابراین از آنجا که به ازاء هر یک از مراتب وجودی، ماهیتی وجود دارد؛ به تبع تشکیک در وجود، ماهیت نیز دارای تشکیک خواهد بود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۷۰؛ ج ۲، ص ۳۱۰؛ ج ۹، ص ۱۸۶)، چنانکه می‌نویسد (همان، ج ۲، صص ۶۱-۶۲): «اختلاف ماهیاتی که از انحاء وجودات منتزع می‌شوند، به دلیل اختلاف مراتب وجودات از نظر شدت و ضعف و تقدیم و تأخیر است».<sup>۳۱</sup>

بنابراین تبعی دانستن ماهیت نسبت به وجود توسط ملاصدرا (۱۳۶۱، ص ۲۴۶؛ ۱۳۶۰، ص ۸؛ ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۱۰۱؛ ج ۳، ص ۸۳ و ۲۵۷؛ ج ۴، ص ۲۷۵)، برای ماهیت احکامی را ایجاد می‌کند که در حقیقت از آن وجود هستند و به وجود باز می‌گردند. به همین دلیل است که ملاصدرا در برخی از آثار خود، تشکیک در ماهیت را به تشکیک در وجود باز می‌گرداند (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۶؛ ج ۹، ص ۱۸۶؛ ۱۳۸۱، ص ۱۸؛ بی‌تا، صص ۲۷-۲۸ و ۸۲)؛ چرا که ماهیت را می‌توان حد وجود بشمار آورد (رضانژاد، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۵۰). چنانکه در کتاب *الشواهد الربوبیه* و رساله *شواهد الربوبیه* به این مطلب اشاره کرده است. وی می‌نویسد (۱۳۶۰، ص ۱۳۵؛ ۱۳۷۵، ص ۳۰۷): «معانی کلی، شدت و ضعف را نمی‌پذیرند ... و کمال و نقص و تقدم و تأخر به واسطهٔ انحاء وجودهای خاص به آنها ملحق می‌شوند».<sup>۳۲</sup> بر این اساس می‌توان تشکیک در ماهیت را به تبع تشکیک در وجود پذیرفت (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۱۵۳؛ یزدان پناه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸۳). استاد مطهری می‌نویسد (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۸۹):

نظر ما این است که بنابر این سخن که اصالت از آن وجود است و ماهیت اعتباری و از هر جهت تابع وجود است، پس تشکیک در ماهیت به تبع وجود اشکالی ندارد. اگر وجود مشکک شد ماهیت هم مشکک می‌شود.

ایشان در پاسخ این اشکال که تشکیک در ماهیت چگونه با اصالت وجود سازگار است؟ می‌نویسند که ماهیت چه در عرض و چه در طول در مرتبه متأخر از وجود انتزاع می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، صص ۴۴۹-۴۵۱) و به تبع وجود دارای تشکیک است. در واقع تشکیک در ماهیت تشکیکی مجازی است. یعنی در حقیقت دارای تشکیک نیست و مجازاً و به تبع وجود به آن نسبت داده شده است (رحمانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۱). ملاصدرا در ادامه عبارتی که به مبحث تشکیک در ماهیت در کتاب *اسفار* اشاره می‌کند در مورد تشکیک در ماهیت می‌نویسد (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۳۵): «در اینجا می‌گوییم که این تفاوت، همانند تفاوت به تقدم و تاخر، به انحاء وجودات باز می‌گردد، پس برای وجودات، نحوه‌های مختلف وجود دارد».<sup>۳۳</sup>

بر این اساس وی نیز تشکیک در ماهیت را به تشکیک در وجود بازگردانده است. با این نگرش می‌توانیم نظریه مثل افلاطونی را نیز بپذیریم و تناقضی در سخنان ملاصدرا وجود نخواهد داشت.

همچنین می‌توان برخی از نظرات ملاصدرا، همچون نوع واحد ندانستن انسان در آخرت (۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۲۵) و قوی‌تر دانستن صورت ذهنی از وجود خارجی (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۲۴) را نیز به همین نحو تبیین نمود و اینگونه ماهیات را به تبع وجود دارای مراتب تشکیکی دانست.

دو) در صورتی که ماهیت را کالعدم بدانیم تشکیک در ماهیت راه نخواهد داشت. ملاصدرا بر این اساس معتقد است که ماهیت «اصلاً بویی از وجود نبرده است» (ما شمت رائحة الوجود اصلاً) (۱۳۶۳ الف، ص ۳۵) و ماهیات «دارای وجود حقیقی نیستند» (۱۹۸۱، ج ۲، ۳۳۹). در این صورت به وحدت شخصی وجود خواهیم رسید (نک: انواری، ۱۳۹۴، صص ۴۳-۴۴) و دیگر نه تشکیک در وجود و نه تشکیک در ماهیت مطرح نخواهند بود. با این تعریف، نمی‌توان نظریه مثل افلاطونی و اعیان ثابته را پذیرفت و پذیرش این نظریات موجب ناسازگاری در نظام ما خواهند شد.

بنابراین در صورتی که وجود را امر متصل واحد در نظر بگیریم (وحدت شخصی وجود)، تشکیک در ماهیت امکان پذیر نخواهد بود (نک: ملاصدرا، ۱۳۶۱، ص ۲۴۷). و



در صورتی که وجود را امری مشکک بدانیم (وحدت تشکیکی وجود)، تشکیک در ماهیت به تبع تشکیک در وجود قابل پذیرش است. به عبارت دیگر در تشکیک خاص الخاصی که بحث شأنیست مطرح می‌شود، تشکیک طولی و عرضی دارای ملاک واحدی خواهند بود و بحث تشکیک در ماهیت مطرح نمی‌شود؛ اما در تشکیک خاصی، تشکیک طولی از طریق علیت وجودی و تشکیک عرضی از طریق ماهیت تبیین می‌شود، گرچه در نهایت تمایز ماهوی نیز به تمایز وجودی باز می‌گردد (رحمانی، ۱۳۹۵، ص ۹۷).

ماهیت = مرز وجود ⇐ تشکیک در وجود ⇐ پذیرش تشکیک در ماهیت  
ماهیت = کالعدم ⇐ نفی تشکیک در ماهیت

**نقد و بررسی:** بنظر می‌رسد این تبیین که تشکیک در ماهیت را به تبع تشکیک در وجود مطرح می‌سازد، قابل قبول بوده و می‌تواند اختلاف ظاهری را مرتفع سازد. بر این اساس، در صورتی که ماهیت را به مرز و حد وجود تعریف نماییم، تشکیک در وجود منجر به تشکیک در ماهیت می‌گردد.

## ۸. نتیجه‌گیری

چنانکه نشان داده شد، موضع ملاصدرا در آثار مختلف خود نسبت به تشکیک در ماهیت متفاوت است. وی در برخی از آثار خویش تشکیک در ماهیت را نفی کرده است و در برخی دیگر آن را پذیرفته است. همچنین برخی از نظریات فلسفی وی مانند پذیرش نظریه مثل افلاطونی و اعیان ثابت و انواع متفاوت دانستن انسان، با پذیرش تشکیک در ماهیت سازگار هستند و برخی دیگر همچون اصالت و تشکیک در وجود با پذیرش تشکیک در ماهیت ناسازگار به نظر می‌رسند. در این مقاله با نشان دادن این ناسازگاری و استخراج موارد آن، شش نظر در مورد علت این اختلاف نظر مطرح گردید که عبارتند از: ۱) تشکیک در ماهیت در مقام دفاع از اشراقیان؛ ۲) تغییر دیدگاه در مبحث تشکیک در ماهیت؛ ۳) تشکیک در ماهیت به معنای ذات؛ ۴) تشکیک در مفاهیم مشکک؛ ۵) تشکیک در افراد ماهیت؛ ۶) تشکیک در ماهیت به تبع وجود.

بر این اساس برخی از محققان تشکیک در ماهیت را قابل قبول ندانسته و کوشیده‌اند نشان دهند که ماهیت در مبحث تشکیک به معنای اصطلاحی آن در مقابل وجود بکار

نرفته است و این اختلاف نظر ناشی از اشتراک لفظ است. در مقابل، برخی دیگر تشکیک در ماهیت را به تبع تشکیک در وجود پذیرفته‌اند و آن را در مصادیق خارجی ماهیات که متحد با وجود هستند، جایز دانسته‌اند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. نک: آشتیانی، ۱۳۷۱، صص ۱۵۶-۱۵۸.
۲. در این نوع از تشکیک برخی از مصادیق در نسبت با مصادیق دیگر دارای فضیلت هستند (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۶۹).
۳. معیار سومی نیز در این مورد بیان شده است (نک: عبودیت، ۱۳۸۳، صص ۲۰-۲۶).
۴. در صورتی که تشکیک عرضی را به تشکیک در ماهیت تفسیر نماییم، ما به الاشتراک و ما به الافتراق یکسان نخواهند بود. در این صورت با تشکیک عامی مواجه خواهیم بود و نه تشکیک خاصی (نک: جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۷۸).
۵. لزما تمامی قائلان به اصالت ماهیت، معتقد به تشکیک در ماهیت نیستند (نک: آشتیانی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۰).
۶. فالقول بأن ما به الاختلاف بالكمال و النقص بعین ما به الاتفاق فیما له ماهية مشتركة کلیة قول فاسد غیر صحیح ... فاعلم و تحقق أن شیئا من الماهیات غیر قابل للأکمل و الأتقص و الأشد و الأضعف إلا بأمور زائدة علیها.
۷. التشکیک عندنا لا یكون إلا فی الوجودات لا فی الماهیات.
۸. و صاحب الاشراق ... زعم ان الماهیات کماهیة النور و ماهیة الجوهر و غیرهما مما تقبل الاشد و الاضعف و التقدم و التأخر بذواتها، ای بمعناها النوعی و الجنسی؛ و هذا غیر صحیح عندنا.
۹. و أما أتباع الرواقیین و حکماء الفرس فنقل عنهم صاحب حکمة الاشراق القول بوقوع التشکیک و التفاوت بالأشدیة فی بعض الأنواع و الذاتیات للأشیاء کماهیة النور و الحرارة و المقدار و كذلك فی الجوهر كما أنهم ذهبوا إلى التفاوت بالأقدمیة بحسب الماهیات و قد مر بطلانه. و أما تفصیل مباحث التشکیک مستقصى فقد أوردناه فی الأسفار و رجحنا هناك جانب القول بالأشدیة بحسب الماهیة و المعنی.
۱۰. هاهنا نظر حکمی و هو أن الاشداد كما يقع فی کیف يقع فی الجوهر.
۱۱. ... هی المسمأة بالماهیات متخالفة بحسب الذات اختلافا جنسیا أو نوعیا أو عرضیا.
۱۲. لا شک أن الحاجة و الغنی من لوازم الماهیة أو من لوازم مراتب الماهیة المتفاوتة کمالا و نقصانا.

۱۳. اعلم أن لماهية واحدة أنحاء ثلاثة من الكون بعضها أقوى من بعض.
۱۴. أنکم قلتم الجوهر جنس و الجنس لا يقع على أنواعه بالتشکیک بوجه من الوجوه و قاعدتکم هذه تنتقض بکثیر من المواضع: كعلية المفارقات بعضها لبعض و سببية الهيولى و الصورة للجسم و سببية الأب لابن مع أن الجوهر جنس للجميع و کذا ينتقض بتقدم بعض أفراد الكم على بعض آخر كتقدم الجسم على السطح و السطح على الخط مع كون المقدار جنسا لها.
۱۵. سبزواری در بیت «کذا لزوم السبق في العلية، مع عدم التشکیک في المهية» با پیش فرض گرفتند عدم تشکیک میان ماهیات، علیت را بر اساس وجود تبیین نموده است (نک: سبزواری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۹).
۱۶. أن بعض الجواهر إذا كان بحسب ماهية علة لبعض لكان التشکیک عائدا في جنس الجواهر.
۱۷. إنه يلزم على مذهبهم أن يكون معنى الذاتى كالجوهر ... مشککا متفاوتا بالأقدمية ... لأن بعض أفراد الجوهر علة لبعض آخر ... و العلة في ذاتها أقدم من المعلول ... فيلزم التشکیک في معنى الذاتى.
۱۸. إنه يلزم على مذهبهم أن يكون معنى الذاتى كالجوهر ... مشککا متفاوتا بالأقدمية ... لأن بعض أفراد الجوهر علة لبعض آخر ... و العلة في ذاتها أقدم من المعلول ... فيلزم التشکیک في معنى الذاتى.
۱۹. أن لكل نوع من الأنواع الجسمانية فردا كاملا تماما في عالم الإبداع هو الأصل و المبدأ و سائر أفراد النوع فروع و معاليل و آثار له ... و قد علمت جواز اختلاف أفراد نوع واحد كاملا و نقصا.
۲۰. میرزا مهدی آشتیانی اقسام تقدم و تأخر همچون تقدم و تأخر بالعلیه و بالتجوهر و حتى تقدم بالشرف رب النوع انسان را مقتضى تشکیک در ماهیت ندانسته است (نک: آشتیانی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۹).
۲۱. و الدليل الدال على أن أفراد ماهية واحدة لا يقبل التشکیک و التفاوت في الوجودات شدة و ضعفا و كاملا و نقصا على تقدير تمامه إنما يتم بحسب نشأة واحدة و موطن واحد لا بحسب النشأتين و باعتبار الوجودين و الحق أن مذهب أفلاطن و شيعته في وجود المثل العقلية و الصور المفارقة في غاية المتانة و الاستحكام و لا يرد عليه شيء من النقوض و المطاعن التي أوردها عليه أتباع المشائين.
۲۲. فللماهية الواحدة صور ثلاثة في مواطن ثلاثة لكل منها وجود خاص و ظهور معين فانظر في تفاوت حكم هذه النشأة الثلاثة في ماهية واحدة.
۲۳. الدليل الدال على أن أفراد ماهية واحدة لا يقبل التشکیک و التفاوت في الوجودات شدة و ضعفا و كاملا و نقصا على تقدير تمامه إنما يتم بحسب نشأة واحدة و موطن واحد لا بحسب النشأتين و باعتبار الوجودين.
۲۴. نظرات ملاصدرا در این زمینه در اسفار و الشواهد الربوبية با یکدیگر اختلاف دارند.

۲۵. فحیثذ یمکن الجمع بین الرأیین فمن قال إن الذاتى مقولة بالتشکیک أراد الذاتى بمعنى وجود الشىء ... و من قال بنفى التشکیک فى الذاتى ... أراد الذاتى بمعنى شئیة الماهیه.
۲۶. ایرادات دیگرى نیز در مورد این توجیه بیان شده است (نک: جوادى املی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۷۷).
۲۷. أقول و خلاصة حجته الاولى أن الحقيقة الواحدة التى هى ذات حد واحد و ماهیه واحدة لا یختلف افرادها فى التجرد و التجسم و الغناء و الحاجة ... و لا شک أن کلامه انما یکون تماما فى المتواطئة من الماهیات، دون المشککة.
۲۸. فالتقدم و التأخر و الکمال و النقص و القوة و الضعف ... فى الأشياء و الماهیات بنفس وجوداتها لا بأنفسها و سیأتى لك زیادة إیضاح فى هذا الباب عند مباحث التشکیک فى هذا الکتاب.
۲۹. می توان این احتمال را نیز مطرح کرد که نظریه مثل افلاطونى در آثار ملاصدرا، بر مبنای نظرات قوم مطرح شده است و نه بر اساس نظام حکمت متعالیه.
۳۰. اکثره الماهویه موجودة فى الخارج بعرض الوجود و ان الوجود متصف بها بعرض الماهیه.
۳۱. أن اختلاف الماهیات المنتزعة عن أنحاء الوجودات إنما هو لأجل اختلاف مراتب الوجودات شدة و ضعفا و تقدیما و تأخیرا.
۳۲. المعانى الكلية لا تقبل الاشد و الاضعف ... و الکمال و النقص و التقدم و التأخر انما یلحقها بواسطة أنحاء وجوداتها الخاصة.
۳۳. و هاهنا نقول هذا التفاوت کالتفاوت بالأقدمیه یرجع إلى أنحاء الوجودات، فللوجودات أطوار مختلفة.

## کتاب نامه

- آشتیانی، سیدجلال الدین (۱۳۸۰)، شرح حال و آرای فلسفى ملاصدرا، قم: دفتر تبلیغات اسلامى حوزه علمیه.
- آشتیانی، میرزا مهدى (۱۳۷۲)، تعلیقه بر شرح منظومه حکمت سبزواری، به اهتمام: عبدالجواد فلاطوری و مهدى محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آشتیانی، میرزا مهدى (۱۳۷۱)، تعلیقه رشیه على شرح منظومه السبزواری (الجزء الاول فى المنطق)، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابراهیمی، جواد (۱۳۹۱)، «تشکیک عرضی وجود در اندیشه ملاصدرا»، مجله بلاغ مبین، شماره ۳۲ و ۳۳، پاییز و زمستان، ص ۶۷-۸۵.

بررسی ناسازگاری آراء ملاصدرا در مبحث تشکیک در ماهیات ۲۲۱

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۹)، شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، تهران: انتشارات حکمت.

ابن سینا (۱۴۰۴ق الف)، *الطبیعیات الشفا*، تصدیر ابراهیم مدکور، قم: مکتبه ایه الله المرعشی النجفی.

ابن سینا (۱۴۰۴ق ب)، *منطق شفا*، مراجعه ابراهیم مدکور، قم: مکتبه ایه الله المرعشی النجفی.

احمدنگری، عبدالنبی (۱۳۹۵ق)، *دستور العلماء (جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون)*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

اسیری لاهیجی، محمد (۱۳۸۳)، *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: زوار.

انواری، سعید و سیدجلیل حسین نیا (۱۳۹۴)، «زمینه‌ها و علل طرح نظریات فلسفی ناسازگار در آثار ملاصدرا»، *خردنامه صدر*، شماره ۷۹، بهار ۱۳۹۴، ص ۳۱-۵۶.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *رحیق مختوم (شرح حکمت متعالیه)*، تدوین و تنظیم حمید پارسانیا، قم: اسراء.

حسن زاده آملی، حسن (۱۴۱۶ق)، *تعلیق بر شرح المنظومه*، تصحیح مسعود طالبی، قم: نشر ناب.

رحمانی، محمدهادی (۱۳۹۵)، «تقریر معانی تشکیک»، *نسیم خرد*، شماره ۲، بهار و تابستان، ص ۷۹-۹۸.

رحمانی، محمدهادی (۱۳۹۶)، *مراتب هستی در حکمت صدرایی (تشکیک وجود)*، تهران: میراث فرهیختگان.

رضانژاد، غلامحسین (۱۳۸۷)، *مشاهد الالوهیه (شرح کبیر بر شواهد الربوبیه)*، قم: آیت اشراق.

الرفاعی، عبدالجبار (۱۴۲۲ق)، *مبایذ الفلسفه الاسلامیه*، بیروت: دار الهادی.

سبزواری، ملاحادی (۱۹۸۱م)، *تعلیق بر الاسفار*، در حاشیه حکمت المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت: دار احیاء التراث.

سبزواری، ملاحادی، (۱۳۶۰)، *تعلیق بر الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، مشهد: مرکز الجامعی للنشر.

سبزواری، ملاحادی (۱۴۱۶ق)، *شرح المنظومه*، تصحیح مسعود طالبی، قم: نشر ناب.

سهروردی، شهاب الدین (۱۳۸۰)، *المشارع و المطارحات*، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، تصحیح هانری کرین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سوزنچی، حسین (۱۳۸۹)، *وحدت وجود در حکمت متعالیه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

شیرعلی یف، باقر و حمیدرضا رضانیا (۱۳۹۰)، «تشکیک ماهوی از نگاه مکتب مشاء و اشراق و حکمت متعالیه»، *پژوهش نامه حکمت و فلسفه اسلامی*، شماره ۳۶، تابستان، ص ۹۳-۱۱۰.

طباطبائی، محمد حسین (۱۴۰۳ق)، *بدایه الحکمه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

طباطبائی، محمدحسین (۱۹۸۱م)، *تعلیق بر الاسفار*، در حاشیه حکمت المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت: دار احیاء التراث.

- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۶ق)، *نهایة الحکمة*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۴)، *درآمدی به نظام حکمت صدرائی*، تهران: انتشارات سمت و قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- عبودیت، عبدالرسول (۱۳۸۳)، *نظام حکمت صدرایی (تشکیک در وجود)*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- علیزاده، بیوک (۱۳۸۷)، *مقدمه بر تصحیح رساله فی اتحاد العاقل و المعقول ملاصدرا*، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- غفاری قره باغ، سید احمد و احمد واعظی (۱۳۹۲)، «مقایسه نظریه مثال افلاطونی و نظریه وجود جمعی از دیدگاه صدرالمتهلین»، *معرفت فلسفی*، شماره ۴۱، پاییز، ص ۶۳-۸۴.
- فیاضی، غلامرضا (۱۳۹۰)، *هستی و چیستی در مکتب صدرایی*، تحقیق و نگارش حسینعلی شیدان شید، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۳)، *تعلیق بر نهایة الحکمة*، تهران: انتشارات الزهرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، *درسهای اسفار (مباحث قوه و فعل)*، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *درسهای الهیات شفا*، مجموعه آثار، ج ۷، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *شرح مبسوط منظومه*، مجموعه آثار، ج ۹، تهران: انتشارات صدرا.
- ملاصدرا (۱۹۸۱م)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت: دار احیاء التراث.
- ملاصدرا (۱۳۶۱الف)، *ایقاظ النائمین*، تصحیح محسن مؤیدی، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- ملاصدرا (۱۳۹۲)، *تعلیق بر حکمة الاشراق*، تصحیح: نجفقلی حبیبی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ملاصدرا (بی تا)، *الحاشیة علی الهیات الشفاء*، قم: انتشارات بیدار.
- ملاصدرا (۱۳۷۵)، *اصالة جعل الوجود*، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتهلین، تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران: انتشارات حکمت.
- ملاصدرا (۱۳۷۸)، *رساله فی الحدوث*، تصحیح سیدحسین موسویان، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ملاصدرا (۱۳۸۱)، *زادالمسافر*، به همراه شرح سید جلال الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ملاصدرا (۱۴۲۲ق)، *شرح الهدایة الایثریة*، تصحیح محمدمصطفی فولادکار، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ملاصدرا (۱۳۶۰)، *الشواهد الربوبیة*، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
- ملاصدرا (۱۳۶۱ب)، *العرشیه*، تهران: انتشارات مولی.
- ملاصدرا (۱۳۷۵)، *رساله شواهد الربوبیة*، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتهلین، تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران: انتشارات حکمت.
- ملاصدرا (۱۳۵۴)، *المبدأ و المعاد*، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.

بررسی ناسازگاری آراء ملاصدرا در مبحث تشکیک در ماهیات ۲۲۳

ملاصدرا (۱۳۸۷) *المسائل القدسیه*، بخشی از کتاب سه رسائل فلسفی، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ملاصدرا (۱۳۶۳ الف)، *المشاعر*، تصحیح هانری کربن، تهران: کتابخانه طهوری.

ملاصدرا (۱۳۶۳ ب)، *مفاتیح الغیب*، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی. موسوی، هادی (۱۳۹۴)، «راه حلی برای مسئله قدیمی تبیین تشکیک عرضی»، *نقد و نظر*، سال بیستم، شماره ۳، پاییز، ص ۱۰۹-۱۳۲.

نبویان، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۵)، *جستارهایی در فلسفه اسلامی* (مشمول بر آراء اختصاصی آیت الله فیاضی)، قم: مجمع عالی حکمت اسلامی.

یزدان پناه، یدالله (۱۳۸۹)، *حکمت اشراق*، به کوشش مهدی علی‌پور، تهران: سمت.

